اخبار

زلنسکی:
توافق امنیتی آمریکا ۱۰۰ درصد آماده امضاست

رئیس‌جمهور اوکراین گفت که سند تضمین‌های امنیتی آمریکا برای اوکراین پس از دو روز مذاکره با نمایندگان اوکراین، آمریکا و روسیه «صد در صد آماده» است.

به گزارش ایسنا، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین روز یکشنبه در جریان سفر به لیتوانی در ویلنیوس با خبرنگاران صحبت کرد و گفت که اوکراین منتظر است تا شرکایش تاریخ امضا را تعیین کنند و پس از آن، این سند برای تصویب به کنگره آمریکا و پارلمان اوکراین ارسال خواهد شد.

زلنسکی همچنین بر تلاش اوکراین برای عضویت در اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۷ تأکید کرد و آن را «تضمین امنیت اقتصادی» خواند.

رهبر اوکراین مذاکرات در ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی، را احتمالاً اولین قالب سه‌جانبه در «مدت زمان نسبتاً طولانی» توصیف کرد که نه تنها دیپلمات‌ها، بلکه نمایندگان نظامی هر سه طرف را نیز شامل می‌شد. این مذاکرات که از روز جمعه آغاز شد و شنبه ادامه یافت، جدیدترین مذاکرات با هدف پایان دادن به جنگ تقریباً چهار ساله است.

زلنسکی به اختلافات اساسی بین مواضع اوکراین و روسیه اذعان کرد و مسائل ارضی را به عنوان یک نقطه اختلاف اصلی مورد تأکید مجدد قرار داد.

او گفت: «موضع ما در مورد سرزمینمان - تمامیت ارضی اوکراین - باید محترم شمرده شود.»

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در جریان مذاکرات طولانی اواخر پنجشنبه، در مورد حل و فصل اوکراین با استیو ویتکاف و جارد کوشنر، فرستادگان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، گفت‌وگو کرد. کرملین اصرار داشت که برای دستیابی به یک توافق صلح، کی‌یف باید نیروهای خود را از مناطقی در شرق که روسیه ضمیمه کرده اما به طور کامل تصرف نکرده است، خارج کند.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، زلنسکی گفت که ایالات متحده در تلاش برای یافتن سازش است، اما «همه طرف‌ها باید برای سازش آماده باشند.»

به گفته یک مقام آمریکایی، مذاکره‌کنندگان در اول فوریه برای دور بعدی مذاکرات به امارات متحده عربی بازخواهند گشت. این مقام گفت که مذاکرات اخیر طیف گسترده‌ای از مسائل نظامی و اقتصادی را پوشش داده و شامل احتمال آتش‌بس قبل از توافق بوده است. هنوز توافقی در مورد چارچوب نهایی نظارت و بهره‌برداری از نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا اوکراین، که توسط روسیه کنترل می‌شود و بزرگترین نیروگاه هسته‌ای در اروپاست، حاصل نشده است.

حمایت شیعی و کردی، تردید سنی
المالکی به صحنه نخست‌وزیری بازگشت

نوری المالکی بار دیگر برای نخست‌وزیری عراق نامزد شد و این تصمیم واکنش‌های متفاوت سیاسی را به همراه داشته است؛ حمایت شیعیان و کردها در کنار تردید و مخالفت گروه‌های سنی، پرونده نخست‌وزیری عراق را به یکی از حساس‌ترین موضوعات سیاسی کشور تبدیل کرده است.

به گزارش ایلنا به نقل از الاخبار، نوری المالکی بار دیگر برای نخست‌وزیری عراق نامزد شده و این تصمیم یکی از حساس‌ترین پرونده‌های سیاسی کشور را دوباره به صدر اخبار بازگردانده است. اعلام رسمی نامزدی او توسط «چارچوب هماهنگی» و پس از جلسه‌ای گسترده با حضور رهبران این جریان در دفتر «سازمان بدر» به ریاست هادی العامری، اختلافات و حساسیت‌های سیاسی داخلی را بیش از پیش برجسته کرده است.

در این جلسه، که طبق بیانیه چارچوب هماهنگی، «مذاکراتی عمیق و مفصل» انجام شد، المالکی به عنوان نامزد اصلی بزرگ‌ترین فراکسیون شیعی پارلمان انتخاب شد. انتخاب او عمدتا بر پایه تجربه مدیریتی و سابقه سیاسی طولانی‌اش صورت گرفت، ا این حال، انتخاب او با واکنش‌های متفاوت گروه‌ها و نگرانی‌هایی درباره «پذیرش ملی» همراه شد؛ مسأله‌ای که نقش مهمی در تصویب هر نامزد نخست‌وزیری دارد.

ائتلاف «بازسازی و توسعه» به رهبری محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر سابق، حمایت صریح خود را از المالکی اعلام کرد. سخنگوی این ائتلاف، فراس المسلماوی، سخنگوی این ائتلاف تأکید کرد که نامزدی نخست‌وزیر مطابق چارچوب‌های قانونی پیش می‌رود و دلیل حمایت، تجربه و روابط گسترده او در اداره دولت است. همچنین کمیته‌ای مشترک با «دولت قانون» برای هماهنگی مواضع در پارلمان تشکیل شده تا حمایت لازم برای دولت آینده تثبیت شود.

حمایت کردها نیز روشن و صریح است. مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان، از نامزدی المالکی استقبال کرده و آمادگی احزاب کردی برای همکاری در حل مسائل و عبور از موانع را اعلام کرده است. مسرور بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم کردستان، نیز به او تبریک گفته و تأکید کرده که مرحله پیش‌رو باید بر حل مسائل بین اربیل و بغداد، با رعایت قانون اساسی و احترام به ساختار فدرالی، متمرکز باشد. تحلیلگران کرد این حمایت را بخشی از «تفاهم‌های متقابل» می‌دانند که هم به نفع عراق است و هم با تعهدات سیاسی آن‌ها به شرکا، از جمله حمایت از نامزد ریاست جمهوری حزب دموکرات کردستان، همخوانی دارد.

اما مخالفت‌ها و تردیدهای گروه‌های سنی قابل توجه است. محمد الحلبوسی، رئیس حزب «تقدم»، پیش‌تر نسبت به بازگشت المالکی هشدار داده و از احتمال بازگشت به «روزهای دشوار گذشته» ابراز نگرانی کرده بود. شورای سیاسی ملی سنی نیز درباره بازتولید تجربیات گذشته که با بحران‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی همراه بود، هشدار داده است. برخی رهبران سنی بر این باورند که بازگشت المالکی می‌تواند کشور را به «خانه اول» بازگرداند، به ویژه با توجه به خاطره تلخ سال ۲۰۱۴، سقوط مناطق وسیعی به دست داعش، آواره شدن میلیون‌ها نفر و ویرانی شهرها.

حامیان المالکی بازگشت او را پاسخی به شرایط استثنایی عراق می‌دانند و معتقدند او از «پذیرش ملی» برخوردار است و محدودیتی در مسیر سیاسی خود ندارد. علی الأزیرجاوی، نماینده «دولت قانون»، تأکید کرده که حمایت از المالکی گسترده است و او با وضعیت فعلی عراق و تهدیدهای امنیتی، اقتصادی و دخالت‌های خارجی همخوانی دارد.

با این حال، تحلیلگران هشدار می‌دهند که حمایت کردها مشروط است و مخالفت سنی می‌تواند فشار واقعی بر مذاکرات آینده، تشکیل دولت و مدیریت پرونده‌های اختلافی ایجاد کند. نادیده گرفتن این مخالفت‌ها ممکن است شکاف اعتماد میان گروه‌های مختلف را عمیق‌تر کند.

تنش‌های جدید در خلیج فارس
چرا برادری بن سلمان و بن زاید فروپاشید؟

برای سال‌ها، تحلیلگران و روزنامه‌نگاران این دینامیک‌ها را عمدتاً به‌عنوان یک رقابت پنهانی مشاهده می‌کردند که پشت درهای بسته در حال وقوع بود. اما این وضعیت در اواخر سال ۲۰۲۵ زمانی که تحولات در یمن جنوبی و شرقی تنش‌ها میان عربستان و امارات را به سطوح جدیدی برد، تغییر کرد

اتحاد دیرینه عربستان و امارات در معرض چالش‌های جدید؛ چگونه رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی روابط دو قدرت خلیج فارس را به نقطه تنش رساند؟

به گزارش اکوایران، اتحاد استراتژیک عربستان سعودی و امارات متحده عربی، که روزگاری به‌عنوان دو قطب اصلی سیاست‌های منطقه‌ای خلیج فارس شناخته می‌شد، اکنون به مرحله‌ای از تنش‌های آشکار و بی‌سابقه وارد شده است. تحولات اخیر در یمن، رقابت‌های اقتصادی و مسائل ژئوپلیتیکی جدید، این روابط را به‌طور جدی تهدید کرده‌اند. از دیدگاه ریاض، امارات حالا نه تنها به‌عنوان رقیب منطقه‌ای، بلکه به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی و استراتژی‌های عربستان در خاورمیانه و شمال آفریقا به شمار می‌آید. این مقاله به بررسی دلایل و ابعاد این شکاف می‌پردازد و آینده روابط این دو کشور را تحلیل می‌کند.

به نوشته العربی الجدید، پادشاهی عربستان سعودی مدت‌هاست که خود را به‌عنوان مرجع و رهبر طبیعی شورای همکاری خلیج فارس با شش عضو می‌بیند. در مقاطع مختلف، ریاض برخی از شاهزاده‌نشین‌های کوچک‌تر و بسیار ثروتمند شبه‌جزیره عربستان را به‌عنوان کسانی می‌دیده است که استراتژی‌هایی را در پیش می‌گیرند که منافع عربستان را تضعیف کرده و به‌طور غیرمستقیم باعث تضعیف انسجام کشورهای عربی خلیج فارس می‌شود. از طرف دیگر، برخی از شرکای GCC عربستان به بی‌توجهی ریاض به حاکمیت آن‌ها اعتراض کرده‌اند و سیاست منطقه‌ای عربستان را بیشتر به‌عنوان بلندپروازی هژمونیک تلقی کرده‌اند، نه رهبری جمعی، که منافع ملی شاهزاده‌نشین‌های کوچک‌تر را نادیده می‌گیرد.

همان‌طور که علی شیهابی، تحلیل‌گر سعودی اخیراً اشاره کرده است، این دینامیک‌ها نخستین‌بار در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با توسعه سریع کویت به‌واسطه درآمدهای نفتی آغاز شد. از اواسط دهه ۱۹۹۰ تا دو دهه اول قرن ۲۱، قطر مسیر مشابهی را در پیش گرفت و از درآمدهای کلان گازی خود برای ایجاد یک سیاست مستقل و دوری از آنچه دوحه آن را "سایه سعودی" می‌دانست، استفاده کرد. این تکامل به بحران‌های شورای همکاری خلیج فارس در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷–۲۰۲۱ منجر شد که تنش‌های ساختاری در درون این نهاد فرمنطقه‌ای را آشکار ساخت.

ریاض و ابوظبی: از رقابت خاموش تا اصطکاک آشکار

مراقبان سیاست‌های خلیج فارس همواره به رقابت بین عربستان و امارات متحده عربی اشاره کرده‌اند، رقابتی که به‌طور خاص در سال ۲۰۱۹ زمانی که رویکرد ابوظبی به یمن از استراتژی عربستان سعودی در قبال شورشیان حوثی جدا شد، به‌طور برجسته‌تری نمایان شد. منابع دیگر تنش نیز بلافاصله پس از آن نمایان شد، از جمله تلاش عربستان برای جلب شرکت‌های چندملیتی برای تأسیس مقرهای منطقه‌ای خود در عربستان به‌جای امارات متحده عربی. همچنین، توافق امارات با اسرائیل تحت پیمان ابراهیم که با رد آن از سوی عربستان سعودی همراه بود، اختلافات معناداری در دیدگاه‌های منطقه‌ای این دو کشور ایجاد کرد.

محمد بن زاید رئیس‌جمهور امارات نقش کلیدی در ارتقاء جایگاه محمد بن سلمان در تأمین حمایت بین‌المللی برای وی، به‌ویژه از سوی دولت اوباما ایفا کرد. این امر به رهبر اماراتی نفوذ زیادی بر ولیعهد جوان سعودی اعطا کرد، به‌طوری‌که عربستان در سال ۲۰۱۷ تصمیم گرفت به کارزار عربی تحت رهبری امارات علیه قطر بپیوندد. اما با تثبیت قدرت و کسب جایگاه برجسته او به‌عنوان یک دیپلمات بین‌المللی، به‌ویژه پس از بازسازی تصویر او پس از قتل جمال خاشقجی در ۲۰۱۸، اعتماد به‌نفس بیشتری پیدا کرد. در این مسیر، بیشتر آماده بود تا برتری عربستان را در شورای همکاری خلیج فارس مطرح کند و نشان دهد که رهبری عربستان دیگر قابل چالش از سوی ابوظبی نیست.

برای سال‌ها، تحلیلگران و روزنامه‌نگاران این دینامیک‌ها را عمدتاً به‌عنوان یک رقابت پنهانی مشاهده می‌کردند که پشت درهای بسته در حال وقوع بود. اما این وضعیت در اواخر سال ۲۰۲۵ زمانی که تحولات در یمن جنوبی و شرقی تنش‌ها میان عربستان و امارات را به سطوح جدیدی برد، تغییر کرد. آنچه زمانی به‌طور پنهانی مدیریت می‌شد، به‌طور علنی به منبعی از اصطکاک دوطرفه تبدیل شد که یک تغییر عمده را در رقابت دو قدرت خلیج فارس رقم زد.

نقطه عطف در دسامبر ۲۰۲۵

این نقطه عطف در اوایل دسامبر ۲۰۲۵ بود که شورای انتقالی جنوب یمن تحت حمایت امارات بخش‌های وسیعی از یمن جنوبی و شرقی را تصرف کرد. از نظر ریاض، سیاست یمن امارات حالا چیزی بیش از یک تحریک به‌نظر می‌رسید. رهبران سعودی نتیجه‌گیری کردند که نیروی اصلی اماراتی در یمن، به‌ویژه در مناطقی نزدیک به مرز یمن و عربستان، "خط قرمز" استراتژیک را رد کرده است. در پاسخ، عربستان سعودی بی‌سابقه‌ترین محکومیت‌ها را علیه سیاست‌های امارات صادر کرد و در ۳۰ دسامبر اقدام نظامی مستقیم علیه STC انجام داد.

اگرچه نیروهای مورد حمایت عربستان در نهایت اراضی تصرف‌شده را بازپس گرفتند و این تحولات به انحلال STC به‌عنوان یک نهاد سیاسی و خروج نیروهای اماراتی از یمن انجامید، اما این رویدادها شکاف عمیق‌تری را بین ریاض و ابوظبی حل نکرد. به‌جای آنکه پایان ماجرا باشد، این اتفاق یک فصل دیگر از رقابت پیچیده‌تر را به پایان رساند. در دیگر عرصه‌های منطقه‌ای مانند سومالی، سودان، اسرائیل-فلسطین و احتمالاً سوریه، رقابت سعودی-اماراتی احتمالاً به شکل‌دهی به دینامیک‌های ژئوپلیتیک در آینده نزدیک ادامه خواهد یافت.

یک تهدید ملی برای عربستان

افزایش تنش‌ها میان عربستان سعودی و امارات در حال حاضر نتیجه‌گیری از یک اختلاف صرفاً سیاسی نیست؛ بلکه عربستان سعودی به سیاست خارجی امارات به‌عنوان تهدیدی واقعی برای امنیت ملی خود نگاه می‌کند. دکتر میرا الحسن، پژوهشگر مرکز "الولید" دانشگاه ادینبرو در این‌باره گفت که عربستان احساس می‌کند که به‌ویژه پروژه‌های امارات در یمن، حاشیه دریای سرخ و شاخ آفریقا به‌ویژه هنگامی‌که با منافع اسرائیل تلاقی می‌کند، در حال تهدید امنیت و منافع ژئوپلیتیکی آن است. "علاوه بر این، گزارش‌های منابع اطلاعاتی اسرائیل ممکن است باعث افزایش بدبینی عربستان در مورد شایعاتی شوند که نشان می‌دهد یک پایگاه نظامی اسرائیلی در منطقه "اراده" در ۲۰ کیلومتری مرز عربستان-امارات در حال احداث است."

با توجه به این زمینه، تلاش‌های عربستان برای هماهنگی با بازیگران منطقه‌ای مشابه، بسیار مهم است. دکتر حسین معتقد است که یک اتحاد سعودی که امارات را محاصره کند، می‌تواند توجه بسیاری از کشورهایی را جلب کند که امارات را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌دانند و به‌ویژه در یمن، لیبی و شاخ آفریقا نگران افزایش نفوذ آن هستند. اگرچه امارات منابع مالی فراوانی در کشورهایی نظیر مصر و ترکیه دارد که همکاری با آن‌ها را پیچیده‌تر می‌کند، اما به نظر می‌رسد که عربستان ممکن است برای شکل‌دهی به این ائتلاف با چالش‌های جدی مواجه شود.

متحدان آمریکا به چین نزدیک‌تر می‌شوند؟
توپ ویرانگر ترامپ در زمین اروپا

روزنامه گاردین نوشت: چین در حال ایجاد جذابیت برای رهبران غربی است؛ این مسیر با قدرت‌طلبی فزاینده و بی‌ثبات‌کننده دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در عرصه جهانی هموار شده است.

به گزارش ایرنا، روزنامه گاردین نوشت: زمانی که ترامپ تهدید به استفاده از نیروی نظامی در گرینلند را پس گرفت و گفت تعرفه هایی را برای مخالفان طرح هایش در قطب شمال اعمال نمی کند، اروپا نفس راحتی کشید اما به نظر نمی رسد آمریکا همچنان شریک قابل اعتمادی برای این کشورها باشد.

روزنامه چینی گلوبال تایمز در سرمقاله ای، موضع پکن را به روشنی بیان کرد: در این مقاله با عنوان «اروپا باید به طور جدی به ساخت آینده مشترک جامعه چین-اتحادیه اروپا بیندیشد»، عنوان شده که جهان با خطر «بازگشت به قانون جنگل» مواجه است و چین و اتحادیه اروپا باید در زمینه ساخت «آینده مشترک بشر» همکاری کنند.

گاردین افزود، متحدان واشنگتن در تلاش برای دستیابی به ثبات، به سمت چین روی گردانده اند؛ مساله‌ای که بسیاری در آمریکا، آن را تهدیدی علیه موجودیت خود قلمداد می کنند.

اِوا سیورت (Eva Seiwert) تحلیلگر ارشد موسسه مطالعات چین در این زمینه گفت: در حالی که سیاست آمریکا غیرقابل پیش‌بینی به نظر می رسد به ویژه با توجه به تنش ها و تهدید تعرفه ها بر سر گرینلند، رهبران اروپایی تلاش می‌کنند مطمئن شوند که کانال های ارتباطی با پکن باز است. خطر چنین رویکردی این است که وابستگی کنونی به چین، همزمان با اهداف بیان شده اروپا برای کاهش خطرات این وابستگی، حفظ و حتی تعمیق می شود.

گاردین افزود: مارک کارنی، که با وعده ایستادگی در برابر قلدری آمریکا به عنوان نخست وزیر کانادا انتخاب شد، به تازگی با سفر به پکن، زمینه را برای بازنگری در روابط کشورهای غربی با چین فراهم کرد. کارنی گفت: کانادا در حال ایجاد یک همکاری راهبردی جدید با چین است.

وی همچنین گفت که نظم جهانی در نقطه «گسست... نه گذار» قرار دارد.

کارنی به جای تعظیم در برابر همسایه جنوبی خود، سعی در کاهش وابستگی کشورش به ایالات متحده دارد. او در پکن موافقت کرد که تعرفه‌های خودروهای برقی چینی را از ۱۰۰ به ۶.۱ درصد کاهش دهد و از همسو شدن با واشنگتن که یکی از صادرات کلیدی چین را عملاً از بازار آمریکای شمالی مسدود کرده بود، فاصله گرفت.

خودروهای برقی چینی اکنون در مسیر تبدیل شدن به حدود یک پنجم، اگر نگوییم بیشتر، از فروش خودروهای برقی کانادا هستند. این توافق یک پیروزی سیاسی بزرگ برای چین است، حتی اگر تنها سهم کوچکی از صادرات خودروهای برقی چین را تشکیل دهد. به نظر می‌رسد نگرانی‌ها در مورد وابستگی اقتصادی به چین و حتی دخالت چین در انتخابات کانادا از دستور کار خارج شده است.

نگاه محتاطانه چین به این تغییر موازنه

سونگ بو (Song Bo) از اعضای مرکز امنیت و استراتژی بین‌الملل دانشگاه چینهوا در تایید این موضوع گفت: سیاست‌گذاران چینی تمایلی به پذیرش علنی این موضوع ندارند که نظم جهانی اساساً دچار تغییر شده است.

وی با اشاره به رشد سریع اقتصادی چین که با جهانی شدن در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ همراه بود، اظهار داشت: ما همیشه معتقد بوده‌ایم که بزرگترین ذینفع نظم بین‌المللی ایجاد شده پس از جنگ سرد هستیم. برای ما دشوار است که بپذیریم نظم فعلی در حال تغییر اساسی است.

گاردین خاطرنشان کرد: کی‌یر استارمر نخست‌وزیر انگلیس، هفته آینده با شرایط اندکی متفاوت وارد چین می‌شود. او روابط گرم‌تری با ترامپ دارد، اگرچه لفاظی‌هایش در روزهای اخیر به دلیل اختلافات بر سر گرینلند و جزایر چاگوس شدت گرفته است. استارمر در داخل کشورش تحت فشار است تا نشان دهد که درباره مسائل امنیتی و حقوق بشری در رفتار با چین سخت‌گیر است. این دو موضوع تنش ها بر سر درخواست جنجالی تشکیل سفارت بزرگ چین در لندن را که دولت این هفته با وجود مخالفت‌های شدید آن را تأیید کرد، تشدید کرد.

استیو تسانگ مدیر موسسه سواس چین، درباره رویکرد نخست وزیر انگلیس گفت: استارمر شاید خود را به عنوان یک نخست وزیر کارامد یا فردی آگاه در مورد چین ثابت نکرده باشد، اما او نادان نیست و می‌خواهد روابط با چین را برای بهبود اقتصاد و تجارت بریتانیا بهبود بخشد، اما چین را شریکی مطمئن‌تر از ایالات متحده برای بریتانیا نخواهد دید.

گاردین نوشت: با این حال، استارمر نیز مانند کارنی امیدوار است که قراردادهایی را با پکن امضا کند و سرمایه‌گذاری‌های بسیاری را برای کمک به اقتصاد انگلیس جذب کند. او با نمایندگانی از شرکت‌های معتبر انگلیسی همراه خواهد بود و انتظار می‌رود با وجود نگرانی‌های فزاینده در مورد خطرات امنیت ملی سرمایه‌گذاری‌های چین، شورای مدیران عامل بریتانیا-چین را احیا کند.

گاردین در بخشی از گزارش خود خاطرنشان کرد که چرخش به سمت پکن برای متحدان غربی آمریکا آسان نیست.

سونگ از اعضای مرکز امنیت و استراتژی بین‌الملل دانشگاه چینهوا در تایید این دیدگاه اظهار داشت که رهبری کمیسیون اروپا اساسا همچنان با چین خصومت دارد؛ این موضوعی است که مقامات چینی و رهبران تجاری دشوار بتوانند آن را با روابط به ظاهر گرم بین چین و کشورهای اروپایی تطبیق دهند.

سونگ گفت: موضع کلی اتحادیه اروپا و جنگ در اوکراین بزرگترین موانع تعمیق روابط بین این بلوک و چین است و بدون حل این دو مساله، روابط چین و اروپا هیچ پیشرفت قابل توجهی نخواهد داشت.

بر اساس گزارش گاردین، اوکراین ممکن است به طور خاص در دستور کار پتری اورپو، نخست وزیر فنلاند، که روز یکشنبه وارد پکن می‌شود، قرار داشته باشد. پاتریک اندرسون، تحلیلگر موسسه امور بین‌الملل سوئد در این زمینه گفت: حمایت چین از روسیه قطعاً روابط با کشورهای شمال اروپا را تیره کرده است و فنلاند نیز از این قاعده مستثنی نیست.

اما اندرسون خاطرنشان می‌کند که روابط فنلاند با چین معمولاً بیشتر از سوئد و نروژ با پکن باثبات بوده است و دیدار نخست وزیرفنلاند می تواند آن را تقویت کند.

در ماه‌های پس از جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲، کشورهای اروپایی با این واقعیت دست و پنجه نرم می کردند که بسیاری از آن ها برای کالاهای کلیدی مانند سوخت‌های فسیلی به روسیه وابسته بودند. درخواست‌هایی برای جلوگیری از قرار گرفتن در وضعیتی مشابه با چین، به عنوان مهم‌ترین تأمین‌کننده فناوری انرژی پاک در جهان، مطرح است. حتی در سال ۲۰۲۰، سایمون گس رئیس کمیته مشترک اطلاعات انگلیس، چین را «خطری در مقیاسی نسبتاً گسترده» ارزیابی کرده بود.

چنین نگرانی‌هایی ممکن است در حال محو شدن باشند، زیرا قدرت های متوسط به دنبال جهانی از چندجانبه‌گرایی در مواجهه با توپ ویرانگری هستند که توسط ترامپ و آمریکا به عنوان کشوری که زمانی بزرگترین مدافع آن بود، به چرخش در آمده است. چین معتقد است که این رفتار ترامپ مثبت و خوشحال کننده نیست. با این حال تبعات چنین رفتاری ممکن است موقعیت پکن را در صحنه جهانی تقویت کند.